



## معنابخش زندگی

تنظیم: هادی قطبی

برگ‌هایی از زندگی حکیم فرزانه علامه مصباح یزدی رحمته

### تولد و دوران کودکی

السلام) در آن دوران خفقان رضاخانیه - که برپا کردن مراسم عزاداری مطلقاً ممنوع بود - شب‌های محرم در زیرزمین منزل، مجلس توسل و عزاداری برگزار می‌کردند و شب‌های جمعه مراسم قرائت دعای کمیل و ذکر حدیث و صبح هر جمعه نیز مراسم قرائت دعای ندبه برگزار بود؛ به طوری که پدر، دعای ندبه را حفظ شده بود و آن را از بر می‌خواند. پیش از تولد محمدتقی، مادر در خواب می‌بیند که

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، یازدهم بهمن‌ماه ۱۳۱۳، برابر با بیست پنجم شوال ۱۳۵۳ق، در دامان پرمهر خانواده‌ای بسیار متدین و مذهبی در شهر یزد به دنیا آمد. پدر و مادر علامه، زندگی خود را در منزل موروثی مادر ایشان به سختی می‌گذرانند. با این همه این خانواده‌ی بسیار مذهبی و شیفته‌ی اهل بیت (علیهم



چهار سال، تحصیلات هشت ساله را با جدیت فوق‌العاده‌ای به پایان برد. محمدتقی خود این پیشرفت را مرهون زحمات استادان خود از جمله مرحوم شیخ محمدعلی

نحوی می‌دانست که در تعلیم دروس، وقت زیادی صرف می‌کرد و با روشی که داشت محمدتقی را محقق، تربیت کرد. از دیگر اساتید او می‌توان به مرحوم شیخ عبدالحسین عرب (شیخ عبدالحسین عرب و عجم که استاد شرح نظام او بود)، مرحوم آقا سیدعلی رضا مدرسی و حاج‌میرزا محمد انواری اشاره کرد. محمدتقی در کنار دروس رسمی حوزه، برخی علوم روز از قبیل فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و زبان فرانسه را نزد روحانی فرهیخته‌ای به نام «محققی رشتی» آموخت که بعدها از سوی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به آلمان اعزام شد.

#### مهاجرت به نجف

هنگامی که شیخ‌احمد آخوندی متوجه پیشرفت محمدتقی شد، خانواده‌ی او را برای ادامه تحصیلات محمدتقی در نجف ترغیب نمود. والدین محمدتقی که دلبسته‌ی او بودند، تصمیم گرفتند خانه و وسایل کارشان را بفروشند و در سال ۱۳۳۰ به نجف مهاجرت کنند؛ اما این اقامت به دلیل مشکلات مالی پدر، دوام نیاورد و ایشان پس از یک سال به همراه خانواده به تهران عزیمت کرد. محمدتقی در مدت اقامت در نجف با کرسی درس و بحث بزرگان علم و دین؛ مانند آیات عظام مرحوم حکیم، شاهرودی، عبداللهادی شیرازی، استهباناتی به خوبی آشنا شد.

#### مهاجرت به قم

محمدتقی در پاییز ۱۳۳۱ برای ادامه‌ی تحصیلات دینی خود از تهران به قم مهاجرت نمود. اولین مشکل محمدتقی، یافتن حجره برای اقامت و تحصیل بود. شرط داشتن حجره در مدرسه‌ی حجتیه، بیست سال تمام بود؛ اما محمدتقی ۱۹ سال داشت. در مدرسه‌ی فیضیه نیز مشکلاتی داشت و در نهایت پس از دو ماه اقامت به صورت مهمان در حجره‌های دوستان، با کمک خادم مدرسه و به همراه طلبه‌ی دیگری به نام سیدعلی محمد در حجره‌ی نامناسی زیر پله‌های مدرسه‌ی فیضیه ساکن شد که البته بعدها به حجره‌ی مطلوبی منتقل شد.

«قرآن» به دنیا آورده است. با نگرانی خواب خود را نزد معبری به نام سیدمحمدرضا امامیه که از علمای یزد بود، بازمی‌گوید. سید در پاسخ می‌گوید: «فرزندی که متولد می‌شود پسر است و بشارت باد که او عالم و حامی قرآن خواهد بود.» این خواب، هر چند بعدها به فراموشی سپرده شد، ناخودآگاه موجب علاقه‌ی شدید والدین و به خصوص مادرشان به ایشان و آینده‌اش گشت.

#### دوران مدرسه

ایشان در تحصیلات دبستانی همه ساله در امتحانات پایانی، به عنوان شاگرد ممتاز مدرسه شناخته می‌شد و همین امر باعث شد تا مدیر و معلمان، وی را تشویق به ادامه‌ی این شیوه در تحصیل کنند تا از مخترعان برجسته میهن باشد؛ اما محمدتقی آرزویی دیگر داشت. او تنها به تحصیل علوم دینی و کسب معارف الهی می‌اندیشید و بر همین اساس بود که در انشای کلاس چهارم نوشت می‌خواهد به نجف برود و درس دینی بخواند. این انشا، آموزگار و هم‌شاگردی‌های محمدتقی را شگفت‌زده کرد؛ چراکه آنان آرزو داشتند روزی خلبان، سرهنگ، وزیر یا وکیل شوند. آرزوی محمدتقی در دورانی که جامعه هیچ اقبالی به علوم دینی نداشت و به روحانی و عالم دینی به چشم حقارت نگریسته می‌شد و اغلب روحانیون از لباس روحانیت خارج شده و به کسب و کار مشغول بودند و اهل علم در فقر شدید به سر می‌بردند، برای بسیاری شگفت‌انگیز بود.

عامل مهم این انتخاب و مشوق محمدتقی علاوه بر تعلیمات والدین، جذبه‌ی معنوی شیخ‌احمد آخوندی بود. وی روحانی دل‌سوخته و متعهد ساکن نجف بود که هر از گاهی برای سرکشی به موقوفات خود، به یزد می‌آمد و مهمان خانه‌ی آنان می‌شد. حالات عرفانی و عبادی او و نیز تهجد نیمه شبش، محمدتقی را جذب کرده بود. به خصوص آن‌گاه که شیخ احمد آخوندی به او گفت: «بچه‌ای که به این خوبی نماز می‌خواند و به این خوبی درس می‌خواند، چه خوب است طلبه و عالم دین بشود.»

#### آغاز طلبگی

محمدتقی نوجوان در سال تحصیلی ۱۳۲۵-۲۶ دوره‌ی ابتدایی را به پایان برد و برای فراگیری علوم دینی تابستان همان سال وارد حوزه‌ی علمیه یزد شد و در یکی از حجره‌های مدرسه‌ی شیعیه ساکن شد. آن زمان وضع حوزه‌ها از نظر ظاهری، استاد و برنامه‌ی درسی نابسامان بود. اما محمدتقی چنان اهتمام داشت که در مدت



برخوردهای مکرر با شیخ

مهدبی که در نزدیکی‌های

مدرسه‌ی حجتیه منزل داشت

و هر صبح به زیارت حضرت

معصومه علیها السلام مشرف می‌شد، توجه

شیخ محمدتقی را جلب کرده و با

مقام ممتاز علمی و اخلاقی ایشان

آشنا می‌شود؛ به ویژه آن‌که از

مقامات معنوی او حکایت‌هایی

نقل می‌شد و او را جانشین

آیت‌الله قاضی علیه السلام می‌دانستند.

این اوصاف، شیخ محمدتقی را

که همیشه تشنه‌ی فضیلت و

معنویت بود، به حضور در درس

آیت‌الله بهجت علیه السلام ترغیب کرد.

محمدتقی در سال اول ورود در درس مرحوم آقامرتضی حائری و شیخ عبدالجواد جبل املی شرکت کرد و تمام روز خود را غیر از چند ساعت استراحت به درس و بحث اختصاص می‌داد و با وجود مشکلات مالی شدید، باقی مانده‌ی دروس سطح را به اتمام رسانید و از سال بعد که بیست ساله شده بود در مدرسه‌ی حجتیه حجره‌ی مناسبی گرفت و در درس خارج فقه مرحوم آیت‌الله بروجردی و درس خارج اصول امام خمینی (رحمه الله) حضور یافت.

### آشنایی با اساتید بزرگ فقه، عرفان و فلسفه

در این مدت با حضرت امام خمینی ره و علامه طباطبایی و آیت‌الله بهجت ره آشنا شد و از همان سال حکمت نیکوی مهاجرت از نجف به قم را دریافت.

شیخ محمدتقی از همان سال اول ورود به قم، با امام خمینی (رحمه الله) که استاد برجسته‌ی حوزه بود، آشنا شد و مجذوب شیوه‌ی تدریس، درس اخلاق و حرکات و سکنات ایشان گردید. همچنین در کنار ساعت آفتابی مدرسه حجتیه با سیدی نجیف و نورانی که در بین طلاب مدرسه به «قاضی



کوچک» مشهور بود، آشنا شد که وضع عمامه و لباس او از زندگی فوق‌العاده ساده وی حکایت می‌کرد. شیخ محمدتقی همان‌جا با علامه طباطبایی به عنوان استاد تفسیر، ریاضیات و آگاه به علم هیات و ریاضیات آشنا شد که شرکت در درس تفسیر ایشان در مسجد سلماسی، نقطه‌ی عطفی در زندگی علمی محمدتقی محسوب می‌شود. حضور فعال شیخ محمدتقی در جلسات درس علامه طباطبایی ره و سوال‌های هوشمندانه وی توجه علامه را جلب می‌کند و رابطه‌ی استاد و شاگرد فراتر از مسایل درسی و تفسیری، به مرادوات اخلاقی و تربیتی می‌انجامد. تا آن‌جا که علامه نسخه‌های دست‌نویس تفسیر خود را پیش از چاپ به شاگرد خود می‌داد تا اگر نکته‌ای به ذهنش می‌رسد تذکر دهد.

همچنین برخوردهای مکرر با شیخ مهدبی که در نزدیکی‌های مدرسه‌ی حجتیه منزل داشت و هر صبح به زیارت حضرت معصومه سه مشرف می‌شد، توجه شیخ محمدتقی را جلب کرده و با مقام ممتاز علمی و اخلاقی ایشان آشنا می‌شود؛ به ویژه آن‌که از مقامات معنوی او حکایت‌هایی نقل می‌شد و او را جانشین آیت‌الله قاضی ره می‌دانستند. این اوصاف، شیخ محمدتقی را که همیشه تشنه‌ی فضیلت و معنویت بود، به حضور در درس آیت‌الله بهجت ره ترغیب کرد. اما ایشان کلاس درس رسمی نداشت و شیخ محمدتقی به همراه جمعی دیگر از دوستان تصمیم گرفتند تا از ایشان بخواهند کلاس درس فقه را برای جمع کوچک آنان و با انگیزه‌ی تقویت بنیه‌ی فقهی دایر کنند. این حضور و ارتباط شاگرد و استاد تا پانزده سال بعد ادامه داشت. این آشنایی پانزده ساله، زمینه‌ی ارتباط و علاقه‌ی هر چه بیشتر استاد و شاگرد را فراهم

ساخت و رفته رفته استاد نیز به استعداد، نبوغ علمی و اخلاقی شاگرد خود پی برد و این امر سبب شد که آیت‌الله بهجت، قبل از انقلاب در مقابل تقاضای بازاری قم، شیخ محمدتقی را که اکنون خود مجتهدی صاحب‌نظر بود به عنوان معلم و مدرس اخلاق معرفی کند. این جلسات از منزل آقای اسلامی که بعدها به حسینیّه و مسجد تبدیل شد آغاز گردید و تا پایان عمر ایشان در بیت مقام معظم رهبری قم ادامه داشت.

### دوستان دوران تحصیل

شیخ محمدتقی در دوران تحصیل خود و به خصوص در مدرسه‌ی حجتیه، معمولاً با طلبه‌هایی طرح دوستی صمیمانه می‌ریخت که علاوه بر سخت‌کوشی در درس، بحث و مطالعه، از روحیات و سجایای معنوی و اخلاقی نیز برخوردار بودند. از میان بهترین دوستان او می‌توان به شیخ محمدحسین بهجتی اردکانی، شیخ علی بهجتی، آیت‌الله شیخ علی پهلوانی، آیت‌الله میرزااحسین نوری و برادر ایشان میرزااحسن نوری و شیخ علی‌اکبر مسعودی خمینی اشاره کرد. همچنین بعد از ازدواج نیز دوستان جدیدی داشت که شهیدباهر، حجة‌الاسلام هاشمی رفسنجانی و آیت‌الله خامنه‌ای از آن جمله بودند.

### ابعاد علمی

آیت‌الله مصباح یزدی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی از قبیل فقه و اصول، تفسیر و فلسفه و نیز رشته‌های دانشگاهی علوم انسانی و زبان خارجی (انگلیسی و فرانسه)، تحصیل، مطالعه و تحقیقات جامعی داشتند.

آیت‌الله مصباح در رشته‌ی فقه، مورد تشویق خاص آیت‌الله بروجردی ره قرار گرفت و در سن ۲۷ سالگی به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. ایشان با روحیه‌ی تحقیق و مطالعه‌ای که داشت به رشته‌های مرتبط با فقه؛ مانند اصول، رجال و درایه نیز آگاهی کافی داشت. ایشان به مدت ۸ سال در درس فقه و اصول حضرت امام ره و به مدت ۱۵ سال در درس مرحوم آیت‌الله بهجت و ۲ سال در درس آیت‌الله اراکی ره شرکت کرد.

با توجه به عنایتی که مرحوم علامه طباطبایی ره به آیت‌الله مصباح داشتند، برگزاری کلاس‌های تفسیر موضوعی نیز مورد اهتمام آیت‌الله مصباح قرار گرفت. همچنان که عامل گرایش ایشان به درس فلسفه نیز علاقه‌ی ایشان به شخصیت علامه طباطبایی ره بود. این علاقه موجب شد بیشترین وقت خود را صرف این رشته نماید تا آن‌جا که به نوآوری و ابتکارات فلسفی منجر گردید. ایشان همچون استاد خود معتقد بود، برای شناخت هر چه بهتر اسلام و معارف اسلامی و نیز کسب توانایی در پاسخگویی به شبهات و هجوم‌ها به معتقدات دینی، مطالعه و تحقیق فلسفی می‌باید در راس مطالعات حوزوی قرار گیرد، تا طلاب، ضمن آشنایی با متون اسلامی و فقهی، شیوه‌ی دفاع عقلی از عقاید دینی را نیز فرا گیرند.

زمینه‌های مطالعات فلسفی استاد بسیار جامع و فراگیر است. ایشان

ثمره‌ی آن دوره‌ها، تشکیل دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ایشان گردید.

فراگیری زبان انگلیسی و فرانسوی همواره تا سال‌های ۴۶ و ۴۷ مورد اهتمام آیت‌الله مصباح بود به گونه‌ای که در دوران تبلیغی نیز از این امر غافل نمی‌شد و از هر فرصتی برای یادگیری استفاده می‌نمود. همین امر موجب شد ایشان در مطالعه و درک متون انگلیسی و فرانسوی و آثار اندیشمندان و فلاسفه‌ی غربی توانمند شده و به نقد و بررسی آثار علمی و فلسفی آنان از جمله در موضوعات فلسفه‌ی اخلاق، فلسفه‌ی حقوق، فلسفه‌ی سیاست، فلسفه‌ی علم، فلسفه‌ی تاریخ، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه‌ی غرب و... بپردازند.

### تدریس

استاد مصباح، تدریس منظم خود در موضوعات تفسیر، فلسفه و اخلاق را از مدرسه‌ی حقانی (منتظریه) آغاز کرد. این کار با هدف تربیت نیروهای فکری و عقیدتی و پرورش افراد متعهد و کارآمد برای تشکیل کادر آینده‌ی نظام و حکومت اسلامی شروع شد. ایشان در فلسفه‌ی کتاب «فلسفتنا» تالیف شهید صدر رحمته‌الله و «بدایه‌الحکمه» اثر علامه طباطبایی رحمته‌الله را به مدت ده سال در آن مدرسه آموزش داد و پس از آن با پیشنهاد آیت‌الله خرازی، بخش آموزش موسسه‌ی در راه حق را تاسیس نمود و به تدریس فلسفه را در آن مرکز نیز ادامه داد و تفسیر موضوعی قرآن را با عنوان «معارف قرآن» آغاز کرد. گفتنی است ایشان از جمله اولین اساتیدی بودند که کتاب‌های مزبور را به عنوان متن درسی در حوزه‌ی علمیه تدریس می‌فرمود و پیش از این متن درسی منسجمی که ناظر به افکار و مکاتب فلسفی جدید باشد وجود نداشت.

ایشان غیر از برنامه‌ی درسی مدرسه‌ی حقانی و موسسه‌ی در راه حق، کتاب‌های عمیق فلسفی؛ مانند «اسفار اربعه» و «شفا» را برای علاقه‌مندان تدریس می‌کرد که در واقع سطح تخصصی فلسفه محسوب می‌شد.

فعالیت‌های علمی ایشان با توجه به تنوع علوم و اهمیت پالایش اندیشه‌های غربی و علوم انسانی، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در قالب بنیاد باقرالعلوم رحمته‌الله و موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله ادامه یافت و گروه‌های مختلف علمی در رشته‌های گوناگون علوم انسانی و اسلامی؛ مانند اخلاق، فلسفه، کلام، ادیان، علوم تربیتی، علوم قرآنی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ و... با بهترین شاگردان ایشان بر مبنای آزادی فکر و عقیده و با هدف تولید علوم انسانی و اسلامی در مقاطع کارشناسی، ارشد و دکترا ارائه می‌شود.

کتاب فلسفی ابن‌سینا، بهمنیار، شیخ‌اشراق، فخر رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابوالبرکات بغدادی، میرداماد، صدرالمآلهین شیرازی و حاج‌ملاهادی سبزواری و حواشی و شرح‌های این کتاب‌ها را مطالعه و بررسی کردند و پس از تحقیقات فراوان کتاب ارزشمند حاشیه بر نهاییه‌الحکمه را (به زبان عربی) به رشته تحریر درآوردند و در نهایت دیدگاه‌های خویش را در کتاب ارزشمند آموزش فلسفه ارائه دادند.

به شهادت دوستان و نزدیکان، حضرت آیت‌الله مصباح در زمینه‌ی اخلاق، عرفان نظری و عملی و نیز سیر و سلوک، از محضر اساتیدی؛ چون علامه طباطبایی رحمته‌الله، آیت‌الله بهجت رحمته‌الله و آیت‌الله انصاری همدانی رحمته‌الله بیشترین استفاده را برده بود که از سال‌های ۱۳۳۲ در قالب جلسات هفتگی علامه طباطبایی رحمته‌الله برای عده‌ای از شاگردان خاص ایشان؛ همچون آیت‌الله خوشوقت، شیخ‌علی سعادت‌پرور، شیخ‌حسن تهرانی، عبدالمجید رشیدپور، سیدابراهیم خسروشاهی و شیخ‌محمد علی واعظ قمی و مرحوم شهید قدوسی رحمته‌الله آغاز شده بود.

### علوم جدید

همچنان که اشاره شد، مطالعات و تحصیلات ایشان به دروس حوزوی محدود نشد و از همان آغاز طلبگی از علوم روز؛ مانند فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی و فرانسوی و... غافل نبودند و آن‌ها را از مرحوم محقق‌ی رشتی رحمته‌الله فرا گرفتند. مطالعات فلسفی ایشان نیز محدود به فلسفه‌ی اسلامی نبود و بلکه با فلسفه‌ی غرب نیز آشنایی کافی داشت و اشاره‌ها و تطبیق‌های فراوان ایشان در زمینه‌ی مکاتب مختلف فلسفه‌ی غرب، گواه صدق این مدعاست. رواج افکار و تبلیغات مارکسیستی موجب شد تا ایشان به منظور پاسخگویی به شبهات و دفاع از حریم اندیشه‌ی دینی، بیشتر با اندیشه‌های فلسفی غرب آشنا شوند و برای یافتن زبانی مشترک در بحث و مناظره با تحصیل‌کردگان دانشگاهی، تئوری‌ها و اصطلاحات خاص علوم انسانی دانشگاهی را نیز فرا گرفتند و به همین منظور و با مشورت و همت شهید آیت‌الله بهشتی رحمته‌الله، کلاس‌هایی در دبیرستان دین و دانش قم برای فراگیری زبان خارجی، فیزیک، شیمی، فلسفه‌ی علم، متدولوژی، ریاضیات و جامعه‌شناسی برای جمعی از طلاب برگزار گردید که خود ایشان و افرادی مانند شهید دکتر مفتاح، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله یزدی، دکتر احمدی و حیدری نپاوندی از جمله شرکت‌کنندگان آن دوره‌ها بودند.



**مطالعات و تحصیلات ایشان به دروس حوزوی محدود نشد و از همان آغاز طلبگی از علوم روز؛ مانند فیزیک، شیمی، زبان انگلیسی و فرانسوی و... غافل نبودند و آن‌ها را از مرحوم محقق‌ی رشتی رحمته‌الله فرا گرفتند. مطالعات فلسفی ایشان نیز محدود به فلسفه‌ی اسلامی نبود و بلکه با فلسفه‌ی غرب نیز آشنایی کافی داشت و اشاره‌ها و تطبیق‌های فراوان ایشان در زمینه‌ی مکاتب مختلف فلسفه‌ی غرب، گواه صدق این مدعاست.**

موضوعاتی؛ همچون ارتباط‌گیری با انقلابیون و مخالفان رژیم، چاپ و انتشار بیانیه‌ها و اعلامیه‌های امام، انتشار نشریات بعثت و انتقام در منزل شخصی و تشکیل هسته‌ی اولیه‌ی جامعه‌ی مدرسین و امضای نامه‌های اعتراض‌آمیز علیه رژیم شاه، را در بر می‌گیرد.

میزبانی از برخی جلسات سری سیاسی و فکری- فرهنگی در خانه‌ی شخصی ایشان و سخنرانی در برخی مجامع با موضوع حکومت اسلامی همچنین ارتباط با هیات‌های مولفه‌ی اسلامی که زیر نظر شهیدمطهری و شهیدبهبشتی در قالب چهار گروه و با هدایت فکری آیت‌الله خامنه‌ای، شهید باهنر، استاد مصباح و مرحوم رفسنجانی فعالیت می‌کردند، در اسناد مبارزاتی و فعالیت‌های عقیدتی و سیاسی علامه مصباح ثبت است. همچنین از جمله مبارزات این عالم مجاهد را می‌توان به گفتگوها و مناظرات با اندیشه‌های التقاطی (حزب توده و فداییان خلق)، با موضوع «ماتریالیسم دیالکتیک» اشاره کرد.

مجموع مباحث فکری و سیاسی حضرت آیت‌الله مصباح را می‌توان در کتاب‌های «نظریه‌ی سیاسی اسلام»، «نظریه‌ی حقوقی اسلام»، «انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن»، «جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن»، «حقوق و سیاست در قرآن» و «حکیمانانه‌ترین حکومت» منعکس شده که خود می‌تواند بهترین منبع برای آشنایی با معارف ناب اسلامی با موضوع سیاست باشد.

#### مهم‌ترین ویژگی‌ها

آیت‌الله مصباح ویژگی‌های شخصیتی خاصی داشت که همین امر موجب شد تا کسانی که از نزدیک او را می‌شناختند، ارادتی ویژه به ایشان داشته باشند:

شیفتگی به نماز، انس با قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، توسل به معصومین علیهم‌السلام به ویژه امام زمان علیه‌السلام، توجه به کانون خانواده و اهتمام به تربیت فرزندان صالح، تقوا و پارسایی، خلوص، تواضع و صداقت، علم و حکمت، اخلاق و معنویت، نظم و برنامه‌ریزی، صبوری، استواری و شکیبایی و پرهیز از بی‌حوصلگی و شتابزدگی، فکر و بیان منسجم، نوآوری‌های علمی و پژوهشی، روحیه‌ی تحقیق و پژوهش، جدیت و پشتکار و مجاهدت خستگی‌ناپذیر، شجاعت علمی در نقد اندیشه‌ها، آگاهی از علوم روز و افکار و اندیشه‌های نو، دقت و وسواس علمی و تفکر و تأمل در گفتار و نوشتار، بی‌طرفی و انصاف در قضاوت‌های علمی، رعایت ادب در نقد اندیشه‌ها، ذهن ساختارمند و منطقی در بیان و بنان، داشتن منطق قوی و گفتاری روان و دلنشین، صراحت و شجاعت در اظهار حق و عقیده، نواندیشی و ابتکار علمی و قدرت نظریه‌پردازی و تولید علم، قدرت مدیریت و برنامه‌ریزی و داشتن روحیه‌ی کار گروهی و تشکیلاتی، زمان‌شناسی و نیازسنجی و توجه به اولویت‌ها، جامع‌نگری، ارتباط عمیق و صادقانه با جوانان تشنه‌ی حق و حقیقت، صداقت و دلسوزی، مهربانی و با محبت بودن، تکلیف‌مداری، شجاعت در میدان مبارزه‌ی سیاسی و اجتماعی، حضور انقلابی و بهنگام در صحنه، ایشار و فداکاری، بصیرت، غیوری و ولایت‌مداری و مدافع حریم ولایت بودن، از جمله ویژگی‌های شاخص این استاد فرزانه بود.

«وَالسَّلَامُ عَلٰی یَوْمٍ وُلِدْتُ وَیَوْمٍ اَمُوتُ وَیَوْمٍ اُبْعَثُ حَیًّا».



و موجب پیدایش صدها طلبه‌ی فاضل و اندیشمند برای دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی شده که بیشتر آنان هم اکنون به عنوان اساتید حوزه و دانشگاه و نیز فعالان، مدیران فکری و فرهنگی و تبلیغی، در مراکز مختلف داخلی و خارجی، مشغول فعالیت هستند.

آری؛ آیت‌الله مصباح در دوران تحصیل خود، شاگردان بسیاری را پرورش دادند که در سطوح مختلف می‌توان از آنان نام برد که برخی از آن‌ها به طور مستقیم در ابعاد مختلف از محضر ایشان بهره بردند و برخی دیگر غیرمستقیم خوشه چین علوم ایشان بودند. برخی دیگر نیز در بعد خاصی از علوم حوزوی از ایشان بهره بردند که می‌توان اسامی این افراد را در نامه‌ای که بعد از رحلت ایشان به امام خامنه‌ای نوشتند، ملاحظه کرد.

#### فعالیت‌های سیاسی

حضرت آیت‌الله مصباح با هدایت‌ها و توصیه‌های برخی اساتید خود؛ همچون امام خمینی ره و آیت‌الله بهجت ره وارد فعالیت‌های سیاسی نیز گردید. طرح مباحث سیاسی اسلام در سال‌های ۴۱ و ۴۲ در قالب جلسات علمی با عنوان «گروه ولایت» را می‌توان آغاز این فعالیت‌ها دانست. طرح این‌گونه مباحث سیاسی و ورود ایشان به عرصه‌ی سیاست، در کنار فعالیت‌های سیاسی ضد رژیم پهلوی در مقاطع مختلف قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در بیش از چهار سند مبارزاتی را ساواک ثبت کرده است. این اسناد را که مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر کرده،